

صَفیر

ماهنامه اجتماعی سیاسی فرهنگی



سال ششم / شماره پنجاه و پنجم /

زمستان ۱۴۰۲

قلب تپنده‌ی من

این انقلاب به وسیله مردم به وجود آمده، با عزم مردم، با نیروی انقلاب مردم، با ایمان مردم به وجود آمد. با همین نیرو هم باقی ماند و ریشه دواند. دهر انقلاب

از حق است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

ای اهل ایمان! هر کس از شما از دینش برگردد [زیانی به خدا نمی رساند] خدا به زودی گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.



نشریه صفیر بسیج دانشجویی
دانشگاه اصفهان

شناسنامه

مدیر مسئول:

محمد جواد تقوایی راد

سر دبیر:

فاطمه خلیلیان

هیئت تحریریه:

محمد جواد تقوایی راد - امین فلاح - محمد حسین رحیمی

طراح جلد و صفحه آرا:

سید محمد طاها حسینی مجد
(در همکاری با استودیو تپه‌اش @TiHushStudio)

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان

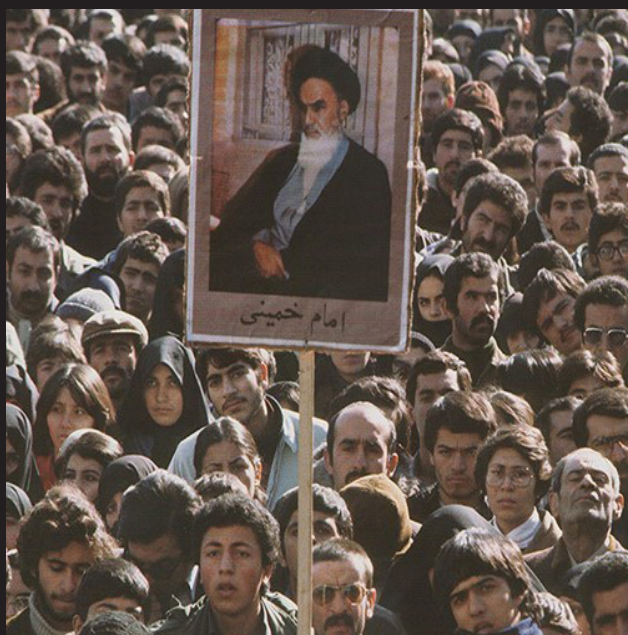
فهرست

- ۳ سخن سردبیر
- ۵ انقلاب چیست؟ | انقلاب‌ها چگونه شکل می‌گیرند؟
- ۹ انقلاب اسلامی | چرایی پیدایش انقلاب اسلامی ایران
- ۱۳ جامعه قبل از انقلاب چگونه بوده است؟ | بررسی جامعه ایران در دوران پهلوی



سخن سردبیر

واقعه انقلاب اسلامی یک تحول بزرگ در تاریخ ایران است که آینده کشور را تحت تاثیر خود قرار داد. شناخت و درک درست از این واقعه بزرگ و تاریخی، نیازمند به مطالعه فراوان و نگاهی همه جانبه به تاریخ و پدیده های سیاسی اجتماعی فرهنگی آن زمان دارد. درک بهتر این موضوع می تواند ما را نسبت به فضای سیاسی و اجتماعی کشور آگاه سازد و همچنین توانایی پاسخگویی به بسیاری از سوالات مطرح در زمینه انقلاب را دارد. در این شماره قصد داریم به طور خیلی خلاصه با مقوله انقلاب، علل شکل گیری انقلاب ها، جامعه قبل از انقلاب و عوامل موثر در انقلاب اسلامی ایران را بررسی کنیم. لازم به ذکر است در نوشتن این نشریه، از کتاب آینده انقلاب اسلامی ایران نوشته شهید مرتضی مطهری، تاریخ معاصر ایران (نویسنده دکتر موسی حقانی و موسی نجفی)، سخنانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۶۲ کمک گرفته ایم. (سردبیر محمد جواد تقوایی راد)





محمد جواد تقوایی راد

انقلاب چیست؟

بطور کلی انقلاب یعنی طغیان و عصیان که مردمی علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام میدهند. به تعبیری بهتر انقلاب منجر به دگرگونی در تمام اجزای سیاسی و طبقه حاکم یک کشور میشود و به طبع آن در قانون و ... تغییرات و محدودیت هایی ایجاد میشود.

انقلاب یک واژه گسترده در حوزه علوم اجتماعی است، ولی قصد ما پرداختن به معنا و کارکرد سیاسی آن است. کلمه انقلاب در حوزه علوم اجتماعی به معنای زیر و رو شدن و تغییر ساختار یک مجموعه است. اما تعریف انقلاب در حوزه علم سیاست اینگونه نیست. در سیاست دانشواژه‌ها دقیق و ثابت نیستند. این بدان معنا است که یک تعریف ثابت از کلمات و دانشواژه‌ها در عرصه سیاسی وجود ندارد. اما نمیتوان گفت که از تعریف کلمه انقلاب عاجز هستیم. بطور کلی انقلاب یعنی طغیان و عصیان که مردمی علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظامی مطلوب انجام میدهند. به تعبیری بهتر انقلاب منجر به دگرگونی در تمام اجزای سیاسی و طبقه حاکم یک کشور میشود و به طبع آن در قانون و همه جوانب یک جامعه تغییرات و محدودیت‌هایی ایجاد میشود.

دلایل شکل‌گیری انقلاب‌ها

در وقایع سیاسی اجتماعی که در جامعه رخ میدهد نمیتوان به صورت صفر و صدی به آنها نگاه کرد و نمیتوانیم علل‌های رخ دادن آن پدیده اجتماعی را به صورت قطعی یک دلیل در نظر بگیریم. در مورد انقلاب‌ها هم چنین نظری صدق میکند. یعنی چندین عوامل در رخ داد یک انقلاب تاثیر گذار است.

۱: سلب آزادی: انسان یک موجود آزاده

است. البته آزادی نه به معنای ولن‌گاری و بی‌قید و بند بودن. حکومت‌های خودکامه با گرفتن حقوق اولیه و طبیعی انسانها مثل حق رای و سرکوب جامعه باعث گرفته شدن آزادی و حق تعیین سرنوشت خود از آنها میشوند. پس از به وجود آمدن دموکراسی و اجرایی شدن آن در بیشتر کشورهای جهان مردم تبدیل به رکن اساسی کشورها و حکومت‌ها شدند. یعنی ارزش مردم و خواسته‌های مردم به بالاترین مسئله در حکومت‌ها تبدیل شد. حالا که خواست مردم در بالاترین حد قرار دارد اگر حکومت‌ها حقوق اولیه این رکن اساسی را نقض کنند، نتیجه آن میتواند؛ شورش، اصلاح و یا انقلاب شود. موضوع آزادی دارای اهمیت بسیاری است. اهمیت آن به گونه‌ای است که اگر جامعه از توان اقتصادی بالایی هم برخوردار باشد اما آزادی در آن وجود نداشته باشد میتواند در نهایت موجب انقلاب شود. پس وجود نداشتن آقا بالاسر برای یک جامعه و یک ملت امری واجب‌تر و مهم‌تر از مسائل دیگر است.

۲: اقتصاد: انسان دارای غریز و نیازهای مادی متفاوتی است که باید در راه و شیوه و چارچوب درست انسانی، عقلانی و شرعی ارضا شود. وقتی انسان نتواند نیازهای اولیه خود را تامین کند زندگی برایش دشوار میشود. پس از نگاهی کلی به تمام انقلاب‌ها متوجه میشویم که شرایط بد مالی، فقر، نبود مواد غذایی مثل گندم،

وجه مشترک تمام آنهاست. ۳: دین و ارزش‌ها: ارزش‌ها مهم‌ترین تفکرات در جوامع سنتی هستند. مثلا این موضوع در کشورهای دینی مثل جوامع غرب آسیا حتی مهم‌تر از اقتصاد هم هستند. حکومت‌هایی که ارزشهای یک جامعه را نقض میکنند موجب خشم و نگرانی ملت میشوند. مثلا در جریان انقلاب اسلامی موضوع و محور اصلی دین و ارزش‌ها بود که از طرف حکومت پهلوی نقض میشد. البته در اواخر حکومت پهلوی سران حکومت سعی کردند که به دین و ارزش‌ها اهمیت بدهند اما ناکام ماندند.

انقلاب شورش کودتا.

توضیح و تعریف و هدف انقلاب را بالاتر توضیح دادیم. اما تفاوت آن با اصلاح و یا شورش چیست؟ البته که شورش جزئی از انقلاب است اما جاهایی برخی از اعتراضات تمام‌جوه انقلاب را ندارند و در حد شورش باقی میمانند.

اما قبل از فهم تفاوت‌ها بایستی ویژگی‌های انقلاب‌ها را بررسی کنیم.

از اصلی‌ترین ویژگی‌های انقلاب داشتن ایدئولوژی است. ایدئولوژی به معنای باید‌ها و نبایدها در امور سیاسی است. ایدئولوژی مجموعه‌ای از تفکراتی است که به سیاست جهت میدهد، آن را هدف دار و محدود میکند. پس رکن اساسی انقلاب ایدئولوژی است. این امر باعث هدف دار شدن یک حرکت و اعتراض در جامعه میشود.


رکن بعدی وجود رهبر توانمند، عاقل و کاریزماتیک است. مراد از توانمندی، توان اثرگذاری بر افراد جامعه است. یعنی آنقدری رهبر یک جنبش در بین مردم دارای مقبولیت باشد که افراد جامعه بدون دلیل و منطق از سخنان او پیروی کنند. مثل آیت‌الله خمینی، گاندی و... . موضوع بعدی پیدایش تفکر و ایدئولوژی جایگزین در جامعه است. یعنی یک تفکر کهنه که توانایی لازم برای ایجاد رضایت مردم را نداشته است کنار میرود و

ایدئولوژی جدید جایگزین آن میشود. تغییر ایدئولوژی حاکمیت های سیاسی خیلی سخت و یا غیر ممکن است. بخاطر همین موضوع تغییر ایدئولوژی مساوی است با تغییر حاکمیت سیاسی.

موضوع بعدی هم نارضایتی های مردم است که بالاتر توضیح دادیم.

حالا به سراغ موضوع اصلی میرویم. همانطور که گفتیم شورش ها معمولا مقدمه ای است برای به وقوع پیوستن انقلاب که اغلب با درگیری، نا امنی و خشونت همراه است. البته امام خمینی چه در دوران مبارزه انقلابی و چه پس از پیروزی انقلاب از شورش برای بیان اعتراض و ابزاری برای بیان مخالفت با نظام سیاسی استقبال نمیکرد. پاسخ شبهه ای پر تکرار در جامعه که بازگو کننده خشونت آمیز بودن انقلاب اسلامی است! کودتا اقدام سریع یک گروه نظامی علیه یک دولت است که نتیجه آن سرنگونی دولتمردان و جایگزین شدن یک دولت جدید است. مثل کودتا ۲۸ مرداد که سازمان های اطلاعاتی آمریکا و انگلستان برای سرنگونی دولت قانونی مصدق انجام دادند.





کاری را انجام می‌دادند که از آنها خواسته شده بود!

محمدرضا را هم انگلیسی‌ها تثبیت کردند. بعد از دوره‌ی حکومت دکتر مصدق، کودتا را آمریکایی‌ها به راه انداختند و البته از دست انگلیسی‌ها ربودند و آنها خودشان تسلط پیدا کردند. اینها در اغلب امور این کشور، وابسته بودند. مستشاران آمریکایی و دهها هزار آمریکایی دیگر در مهمترین مراکز نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و سیاسی این کشور شغل‌های حساس و درآمدهای گزاف داشتند و آنها در حقیقت کارها را انجام می‌دادند و به آنها خط می‌دادند. دستگاه اطلاعاتی این کشور را آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها به وجود آوردند. در سیاست‌ها، تابع نظرات انگلیسی‌ها و در این اواخر، تابع نظرات آمریکایی‌ها بودند. در زمینه‌ی منطقه‌ای و جهانی، حتی در زمینه‌های اقتصادی - مثلاً قیمت نفت چقدر باشد، فروش نفت چگونه باشد، وضع شرکت‌های خارجی در نفت ایران به چه کیفیت باشد - در همه‌ی این مسائل مهم و حساس، آن چیزی کاری را انجام می‌دادند که از آنها خواسته شده بود! البته منافع خودشان را هم در نظر داشتند. |بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۷/۱۱/۱۳|

شاه رفت

اطلاعات

ششمین شماره ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ شماره ۱۰۷۶۱ - تک شماره ۱۹۱ ریال



شاه ساعت یازده و چهار پنج دقیقه امروز بانای ملکه مرح و اراد مرویگه مهرآباد شد و بلافاصله فر جمع خبرنگاران حضور یافت و در مساعدهای با خبرنگاران خارجی و داخلی شرکت کرد.

فرونگاه از صبح امروز در محاصره شدگان دستخاسته می بود. یک خیسر نفی از فرونگاه پرویزنامه اطلاعات خانی بود کشته مطرن ظهر بانک هواپیمای ارتش پرواز کرد اما خبر دیگر حاکی است که شاه هنوز در فرونگاه و باویون تلفنی مشغول مساجحه با روزنامهنگاران است آخرین خبر حاکی است که شاه با جت بوئینگ ۷۲۷ شهبان بمبارک تاکنون قف فرونگاه و مساجحه پسا روزنامهنگاران پرواز کرده است.

- نمایندگان مجلسین
- اعضای شورای سلطنت
- خارج شوند
- کشاورزان بیشتر بکارند
- جلوی خروج گندم را بگیرد
- ارتش جلوی بیرون بردن سلاحهای امریکار بگیرد
- بانکهای اسلامی
- به کشاورزان کمک کنند
- اربعین را تبدیل به وسیع ترین تظاهرات ملی کنید

رئیس مستشاران نظامی امریکا رادرایران بدار آویختند

مصرا امروز منتظر شاه است

دستورات انقلابی

محمد حسین رجیمی

انقلاب اسلامی

امروز امام خمینی

حکومت پهلوی از همان روز اولی که با زور روی کار آمد تا سال ۵۷ یک روند نزولی طی کرد که در پی آن قحطی (که حدود یک چهارم جمعیت آن زمان، یعنی حدود ۳ یا ۴ میلیون نفر در دوران اشغال ایران توسط متفقین بود)، کشتار و سرکوب مردم (سرکوب قیام آیت الله مدرس، قیام آیت الله نورالله اصفهانی، قیام آیت الله محمد تقی بافقی، چادر از سر کشیدن، واقعه فیضیه، قیام مسجد گوهر شاد و ...)، ۴۶ درصد فقر مردم در دوران پهلوی دوم، بیسوادی بیش از نیمی از مردم و بر باد دادن منابع ایران از جمله نفت و گسترش نفوذ بیگانگان که تا امروز هم هنوز بر مردم و کشور تاثیرگذار است.

نخست وزیر امروز از مجلس رای اعتماد گرفت و اعلام کرد:

بازجویی از ارتشبد نصیری آغاز شد

* بایستی ارتش را مانند همه جا از عوامل ناپاک تصفیه کرد ولی ضعف روحیه ارتش ضعف روحیه ملت است.

کارکنان سفارت امریکا اردشیر زاهدی را راه نمیدهند

واشنگتن روزنامهنگاران سفارت امریکا اعلام کردند که در امریکا به بازجویی از زاهدی که از ترانگان شاه است و امضای کرده است زاهدی که در روزهای گذشته با زاهدی که از ترانگان شاه است و امضای کرده است زاهدی که از ترانگان شاه است و امضای کرده است

عراق احساس دشمنی با امام خمینی ندارد

تورید بسیار در مسائل پس از سفر شاه

حاج سید جوادی

راه یعنی جامعه علمی دانشگاه تهران

حاج آقای آقازاده

پدرش تفکری غرب زده داشته باشد و دنبال خوشگذرانی‌هایش باشد و این باعث شد تا در کشور مفاصد اخلاقی مانند مشروبخانه‌ها و کاباره‌ها افزایش بسیار چشمگیری داشته باشد . با توجه به اینکه ایران از حتی قبل از حکومت پهلوی جامعه مذهبی داشته است این کارهای محمدرضا باعث شد تا مردم متدین و مسلمان ایران با او مخالفت کنند.

مورد سوم بی‌کفایتی در اداره جامعه بود وقتی شاه مملکت آنقدر فساد مالی و اخلاقی داشته باشد از مدیران دولتی‌اش چه انتظاری می‌رود؟

اول فساد مالی در هر دو دوره بود، در دوره رضا شاه که حدود ۶۰۰۰ روستا در املاک خصوصی وی ثبت شده بود. و در دوران پهلوی دوم مبالغ هنگفتی از ایران خارج می‌شد و به حساب شاه در خارج از کشور واریز می‌شد و وقتی هم که از کشور خارج شد تا جایی که می‌توانست دنبال خودش از پول بیت المال و مردم برد.

دوم مباحث فرهنگی اخلاقی و دینی بود در هر دو دوره کارهایی بر ضد این موارد انجام می‌شد.

هرچند در هر دو دوره در مقاطعی شاه برای اینکه مقبولیت و مشروعیت در میان مردم به دست آورد حتی در روضه‌های اهل بیت هم شرکت می‌کردند اما وقتی قدرت می‌گرفتند ، دیگر آن روی اصلی خود را نشان میدادند .

مثلاً رضا خان بعد از سفر به ترکیه و ملاقات با آتاتورک و دیدن ظواهر تمدن غرب می‌خواست ایران را به زور و با دیکتاتوری محض شبیه کشورهای غربی کند و در این راستا کارهایی مانند الزام گذاشتن کلاه پهلوی و اعمال خشونت باری مانند چادر از سر کشیدن زنان انجام داد محمدرضا ولی از پدرش ضعیف‌تر بود و این از لحاظ اینکه بیگانگان و در صدر آنها آمریکا و بعد انگلیس و شوروی بتوانند وارد فضای سیاسی و اجتماعی کشور بشوند بسیار تاثیرگذار بود چرا که انگلیس از دوران رضا شاه در کشور غارتگر اصلی بود و بعد آمریکا وارد صحنه شد و درصدی هم به آمریکا تعلق گرفت و بعد تعارضاتی میان این دو با شوروی شکل گرفت و شوروی بعد از مدتی از کشور خارج شد ولی نیروهای او به داخل ایران نفوذ کردند و بعدها تبدیل به حزب توده شدند و تا سال ۵۷ باقی ماندند.

همه این‌ها به علاوه راه و رسم پدر محمدرضا و سفرهای محمدرضا به خارج از کشور که بعضاً تا سه ماه طول می‌کشید باعث می‌شد تا او هم مانند

تاکنون با خود فکر کردید برای چه مردم در سال ۵۷ انقلاب کردند و آیا چه مشکلی داشتند که حاضر شدند جانشان را بگذارند تا این نظام را عوض کنند.

حکومت پهلوی از همان روز اولی که با زور روی کار آمد تا سال ۵۷ یک روند نزولی طی کرد که در پی آن قحطی (که حدود یک چهارم جمعیت آن زمان ، یعنی حدود ۴۳ تا ۴۴ میلیون نفر در دوران اشغال ایران توسط متفقین بود) ، کشتار و سرکوب مردم (سرکوب قیام آیت الله مدرس ، قیام آیت الله نورالله اصفهانی ، قیام آیت الله محمد تقی بافقی ، چادر از سر کشیدن ، واقعه فیضیه ، قیام مسجد گوهر شاد و ...) ، ۴۶ درصد فقر مردم در دوران پهلوی دوم ، بیسوادی بیش از نیمی از مردم و بر باد دادن منابع ایران از جمله نفت و گسترش نفوذ بیگانگان که تا امروز هم هنوز بر مردم و کشور تاثیرگذار است (نگاه آمریکا به ایران که از زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد و هنوز چشم طمع به موقعیت و منابع ایران دارد) نتیجه این حکومت بود (در اینجا به صورت مختصر بیان شده برای اطلاعات بیشتر کتاب تاریخ معاصر ایران اثر دکتر موسی حقانی و موسی نجفی مطالعه شود)

اما عواملی که منجر به این‌ها شد عبارتند از:

مدیران جامعه نیز رشوه خواری و باند بازی انجام می‌دادند نظارت قضایی بسیار ضعیف بود و جلوی این‌ها را نمی‌گرفت مورد چهارم، سرکوب‌های شاه بود که روز به روز افزایش پیدا می‌کرد و در این راستا شاه برای بالا بردن توان سرکوب‌های خود واحد‌های شناسایی مخالفان حکومت و سازمان اطلاعات امنیت ساواک ترور و شکنجه آن زمان بود را تشکیل داد ساواک، افراد زیادی را به شهادت رساند و افراد زیادی را شکنجه کرد و متفکران و علمای آن زمان که می‌توانستند تهدیدی برای حکومت باشند را از بین برد. مورد پنجم گسترش نفوذ بیگانگان در تحولات سیاسی اجتماعی کشور و ارکان حکومت بود که در مورد دوم به آن اشاره‌ای داشته‌ایم. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آمریکا عملاً رفیق قافله ایران شد و سیاست‌هایی مانند اجرای طرح اصلاحات ارضی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید و از همه بدتر احیای قرارداد کاپیتولاسیون را انجام داد. همچنین اگر بخواهیم عمق نفوذ آمریکا را در ایران متوجه شویم باید اشاره کنیم بودجه زیادی از کشور خرج آنها می‌شد مورد ششم یکی از عوامل نفرت مردم از حکومت بود یعنی تاسیس حزب رستاخیز

کشور در آن زمان آن بی‌ثباتی را می‌گذرانند و چند قطبی بود و این مخالف سیاست‌های آمریکا و شاه بود که ایران و مردم را به صورت کنترل شده می‌خواستند.

در این زمان شاه برای ایجاد یکپارچگی در میان مردم حزب رستاخیز را تاسیس کرد که یک تشکیلات کاملاً حکومتی و طبق اصول و موازین شاهنشاهی بود. امام خمینی نیز از همان اول با این حرکت مخالفت کرد و عضویت در آن را حرام اعلام کرد و این باعث شد تا نفرت مردم به حکومت زیاد شود که در ادامه بیشتر به آن می‌پردازیم.

مورد هفتم بزرگترین اشتباه محمدرضا بود چرا که او در ادامه دنباله‌روی از سیاست‌های آمریکا بود. این مورد به علاوه نفرتی که مردم در این دو دوره از حکومت داشتند که البته در اثر دیکتاتوری و سرکوب قیام‌های مردمی و امیدهایی که ناامید می‌شدند به طوری که وقتی رضا شاه از حکومت استعفا داد مردم جشن می‌گرفتند، باعث شد وقتی هم که یک ناجی برای آنها پیدا شد بسیار استقبال کردند و با امام همراه شدند.

تا اینجا از تحولات که در دوران پهلوی گذشت صحبت کردیم اما یکی از موارد اصلی که باعث شد این انقلاب شکل بگیرد رهبری این انقلاب بود که امام بر عهده گرفته بود و کافی بود تا یک اشتباه جبران ناپذیر کند و انقلاب از بین برود اما امام فردی آگاه، بصیر و قاطع بود و با اعتماد زیاد به عامه مردم و بی‌اعتمادی به طبقات ممتاز و تسلیم در مقابل خدا و نیندیشیدن به پیروزی ظاهری بلکه بیشتر اندیشیدن به حرکت و اقدام، توانست این نهضت را پیش ببرد و این بحث کاملاً ثابت شده است چون افراد زیادی آمدند و خواستند انقلاب یا اصلاح در حکومت و نظام انجام دهند. چه افراد مذهبی و چه افراد ملی‌گرا که در درون معاصر آمدند ولی هیچ کدام نتوانستند مانند امام خمینی این

چنین حرکت عظیمی به راه بیندازند و از مسیرشان منحرف نشوند و موفق شوند البته امام خمینی در اوایل کار مخالفت خود را با نظام شاهنشاهی به صورت آشکار اعلام نمی‌کرد ولی بعد از آن چهار طرحی که آمریکایی‌ها برای ایران ریختند و محمدرضا عامل اجرای آنها بود مخالفت خود را علنی کرد و جلوی شاه قد علم کرد.

سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ از پر تلاطم ترین سال‌های سیاسی ایران بود چرا که اولین درگیری‌های امام خمینی به پشتوانه مردم از این زمان شروع شد. پس از اجرای طرح انقلاب سفید و برگزاری فرماندوم فرمایشی شاه و تعارضی که میان شاه و علما در قم رخ داد تا چند ماه بعد خفقان سیاسی در کشور حاکم بود و شاه اجازه درگیری و اعتراض را به مردم نمی‌داد اما با فرا رسیدن محرم سال ۱۳۴۲ همه چیز به یک دفعه تغییر کرد.

در روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که مصادف با محرم بود امام خمینی طی یک سخنرانی مخالفتش را با نظام شاهنشاهی و نفوذ بیگانگان در کشور اعلام کرد فردای آن روز مامورین شاه امام را دستگیر کردند و در پی آن مردم از شهرها و شهرستان‌های کشور به خیابان‌ها آمدند و ناراضی‌های خود را نسبت به نظام شاهنشاهی و دستگیری امام اعلام کردند و شعار یا مرگ یا خمینی سر دادند و شاه هم با نهایت خشونت مردم را سرکوب کرد. در نتیجه امام بعد از دو ماه زندان آزاد شد ولی به خاطر فعالیت‌های سیاسی‌اش دوباره او را دستگیر و تبعید کردند.

دانه انقلاب اسلامی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ کاشته شد و تا ۱۵ سال بعد به مبارزه ادامه دادند. نهضت ۱۵ خرداد با وجود آن همه خشونت و قساوت عملاً باید باعث متوقف شدن انقلاب می‌شد ولی با وجود رهبر قاطع و آگاه و مردمی پای کار و معترض به نظام شاهنشاهی، و برعکس بقیه نهضت‌ها، بیشتر قدرت گرفت و ادامه یافت.

(قساوت دستگاہ شاهنشاهی نقطه پایان مبارزه نشد بلکه نقطه شروعی شد برای یک مرحله جدید و تعیین کننده نسبت به مبارزه و انقلاب) رهبر معظم انقلاب اما این شروع حرکت نیاز به عمق و ریشه فکری داشت .

منظور از ریشه فکری ، تفسیر درست از دین، افشاگری دستگاہ و تشویق مردم به مبارزه و همکاری علیه حکومت بود که در طی این سالها علی رغم تبلیغات منفی علیه اندیشه انقلاب و تشویش اذهان برای همکاری با نظام شاهنشاهی، این ریشه‌های فکری تثبیت شد و محور این کار روحانیون جوان و مبارز بودند (اندیشه انقلاب اسلامی ابتدا از درون حوزه‌های علمیه شکل گرفت و سپس به میان مردم آمد و مردم آنرا را قبول کردند) روحانیونی که تلاش می‌کردند مبارزه کنند و مردم آنها را قبول داشتند و همه جا حضور داشتند البته رژیم شاهنشاهی در ۱۵ سال واکنش‌هایی نظیر زندان، محاکمه، اعدام و تبعید انقلابیون انجام میداد .

اما در سال ۱۳۵۶ یک حادثه رخ داد و مصطفی خمینی پسر امام با مرگ مشکوک و ناگهانی از دنیا رفت. و مردم هم به خاطر علاقه‌ای که به امام داشتند بسیار از این واقعه متاثر شدند و دوباره شروع به حرکت و اعتراض کردند رژیم هم در تبلیغات روزنامه‌اش شروع به توهین به امام و پسرشان کردند و این بیشتر باعث فروختن شعله این آتش می‌شد.

همه این‌ها دست به دست هم داد تا در اواخر سال ۵۶ با یک حرکت عمیق و با پختگی و عده و عده بیشتر حرکتی از قم شکل بگیرد و دیگر شاه نمی‌توانست جلوی این‌ها را بگیرد و ناچار رو به یک خشونت تمام عیار آورد و عده‌ای را در قم شهید کرد سپس به مناسبت چهلم آنها مردم تبریز اعتراضی شکل دادند. باز حکومت آنها را سرکوب و تعدادی را شهید کرد دوباره در چهلم شهدای تبریز مردم یزد به خیابان‌ها آمدند و به دستگاہ

تعرض کردند و دستگاہ باز هم سرکوب می‌کرد و این چهلم‌ها ادامه می‌یافت روند تندتری به خود می‌گرفت.

تا اینکه بعد از گذشت چند ماه در تمامی شهرهای بزرگ و کوچک ایران قیام‌های عظیم مردم به صورت تظاهرات جلوسات سخنرانی‌های تند پخش اعلامیه‌ها همه کشور را فرا گرفت. در تمام این حرکت‌ها امام امت مردم را به آنچه باید انجام می‌دادند هدایت می‌کرد و این بود که باعث می‌شد که در طی این ۱۵ سال انقلاب از مسیر خود منحرف نشود و شکل آرام و بلند مدت و بنیانی به خود بگیرد و در نهایت در اواخر سال ۵۶ و سال ۵۷ با شور و هیجان مردم و معارضه‌های سرسختانه میان دستگاہ و مردم ، انقلاب پیروز شد.

از بزرگترین افتخارات این انقلاب این بود که از همان روز اول به هیچ قدرتی وابسته نبود و استقلال سیاسی خود را حفظ کرد. در حال حاضر نیز با وجود مشکلات خارجی (تحریم‌ها، رسانه‌ها و...) و داخلی (نفاق، مشکلات اقتصادی و...) ، سالهاست که در مسیر پیشرفت هستیم و در زمینه های نظامی (اقتدار منطقه‌ای، پهپاد، موشک و...) ، بهداشتی (کاهش سگته های مغزی و نرخ خودکشی، افزایش ۶ برابری تعداد پزشکان و...) ، علمی (نانو، تولید علم ، بیوشیمی، هوا فضا، فیزیک، داروسازی، ژنتیک، اختراع های ثبت شده و ...)، صنعت (برق آبی، گاز طبیعی، سوخت هسته ای و ...) ، گسترش سواد و آموزش و پرورش و ... ، پیشرفت های بسیاری داشته ایم و انشاءالله در آینده نیز با کمک مردم و داشتن رهبری آگاه، و استعانت از خداوند، مشکلات حل میشود.



امین فلاح

جامعه قبل از انقلاب

همانطور که ما در جامعه الان سه نوع زندگی شهری روستایی و عشایری داریم در زمان پهلوی هم اینگونه بود اما با تغییرات و تفاوت های زیاد مباحث مزبور به جمعیت آنها در دوره های رضا شاه ذکر شد دو تولید به شیوهای روستایی و عشایری در ایران سابقه زیادی دارد به طور کلی در دوره پهلوی اینان به حیات خود ادامه دادند. با این تفاوت که جامعه عشایری دستخوش دگرگونی و بحران جدی شد بخاطر اجرای سیاست تخته قاپو عشایر توسط رضا شاه در دوره محمد رضا شاه روستاییان به دنبال اصلاحات ارضی دچار دگرگونی هایی شدند.

۱ طبقه حاکم که شامل اعضا خانواده سلطنتی دیوانسالاران عالی رتبه دولتی زمین داران بزرگ سران ایل ها فرماندهان نظامی تجار بزرگ سرمایه داران صنعتی. ۲ طبقه متوسط قدیمی از تجار بازاریان پیشه وران کسبه روحانیون و خرده مالکان. ۳ طبقه متوسط جدید شامل کارمندان و متخصصان عمدتاً دولتی که خود تحصیل کرده خارج یا مدراس عالی بودند. ۴ طبقه کارگران شامل کارگران شهری صنعتی ماهر نیمه ماهر و کارگران روستایی. ۵ طبقه پایین شهری که شامل کارگران روزمزد بازاریان پادوها فروشندگان دوره گرد. ۶ طبقه پایین شهری زراعی که شامل دهقانان و کارگران زراعی فاقد زمین و عشایر بدون دام البته مهاجرت روستائیان به شهر ها خصوصاً بعد از اصلاحات ارضی (از سال ۴۲ به بعد) موجب افزایش طبقه کارگر شد. کشاورزان دودسته بودند اولین دسته که مالک زمین بودند که تعدادشان بسیار کم بود و دسته دوم دهقانان بدون زمین ساختار طبقاتی در دوره رضا شاه. داده های مربوط به جمعیت نشان دهنده رشد مداوم همراه با جابجایی های مهم داخلی است کل جمعیت ایران را در این دوره یعنی سال ۱۲۹۳ شمسی ده میلیون برآورد کردند که این رقم در سال ۱۹۴۰ میلادی ۱۳۱۹ شمسی به ۱۴ میلیون نفر رسیده یعنی تقریباً ۵۰ درصد رشد داشته است نرخ کلی افزایش جمعیت کشور که در فاصله سالهای ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۵ بر اثر قحطی و جنگ سالانه ۸ دهم درصد بوده است در فاصله سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۹ به نرخ چشمگیر ۱٫۵ درصد رسیده است در اجزا نیز تغییر و جابجایی قابل توجه ای وجود داشته است در سال ۱۹۰۰ جمعیت شهر نشین ۲٫۷ میلیون نفر یعنی ۲۰ درصد جمعیت ایلی ۲/۴۷ میلیون یعنی ۲۵/۱ درصد با جمعیت روستایی ۵/۳۲ میلیون یعنی ۵۴ درصد بوده است

پس به ترتیب داریم یک روستا نشین دو ایلات و عشایر سه شهر نشین جمعیت سال ۱۹۰۰ اما در سال ۱۹۴۰ م یا ۱۳۱۹ ش جمعیت به این ترتیب است ایران در سال ۱۳۱۹ دارای ۳/۲ میلیون جمعیت شهر نشین تنها یک میلیون جمعیت ایلی ۶/۹ درصد و جمعیت روستایی ۱۰/۳۵ میلیون یعنی ۷۱ درصد. این امار میزان عظیم یکجا نشین شدن و نیمه تخته قاپو شدن عشایر را نشان میدهد امار نیروی کار نشان میدهد که ایران در سال ۱۲۸۵ یعنی زمان انقلاب مشروطه در بخش کشاورزی ۹۰ درصد؛ در سال ۱۳۰۵ ۸۵ درصد در سال ۱۳۲۵ ۷۵ درصد کل جمعیت را تشکیل میداده است البته تعداد معلق کارگران بخش کشاورزی سه میلیون رسیده است. خدمت نظم وظیفه ایجاد کارخانه ها و طرح های پردامنه های راه آهن موجب ازدیاد سریع جمعیت شهری شد به طوری که در سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹ رشد معادل ۲/۳ درصد داشته است رشد بخش روستایی در همان زمان (۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹) ۱/۳ درصد بوده است در سال ۱۳۱۹ ش شهر جمعیتی متجاوز از یکصد هزار داشته است امار های مختلف حکایت از آن دارد که تهران پانصد و چهل هزار، اصفهان دویصد و پنجاه هزار، تبریز دویصد هزار تا سیصد هزار، مشهد و شیراز هر یک دویست هزار و شهر ابدان که به تازگی پایانه نفتی شده است صد هزار جمعیت داشته است نتیجه این است که تا اواخر دوره رضا شاه بیشتر جمعیت شهری و صنعتی بوده است اما باز هم بخش زیادی در زمین کشاورزی فعال هستند. روستائیان در دوره پهلوی اول جمعیت ایران را تشکیل میدادند. طبق آنچه در بالا ذکر شد جمعیت ایران در اواخر دوره رضا شاه یعنی ۱۳۱۹ ش ۱۴/۶ میلیون نفر بوده است که ازین تعداد حدود ۱۰/۳۵ میلیون روستا نشین بودند یعنی حدود ۷۱ درصد کل جمعیت. نکته مهم آن است که همواره در طول تاریخ تا زمان اصلاحات ارضی ۱۳۴۹

جمعیت بیشتر در روستاها بوده است. قطعاً دلیل نبود صنعت و کارخانه و تجارت محدود و طور کلی امکانات کم، جمعیت زیادی روستایی بودند بعد از روستائیان جمعیت ایلی و عشایری که وابسته به دام بودند رتبه دوم را دارا میباشد مثلاً در دوره صفویه تا زمان رضا شاه که عشایر به زور یکجا نشین میشوند. بعد از روستائیان عشایر رتبه بعدی را از نظر جمعیت داشته اند اما در زمان رضا شاه به دلیل سیاست تخته قاپو کردن جمعیت عشایر بسیار کم شد به طوری که از شهر نشینی پایین تر رفت. اما تا قبل از سیاست یکجا نشینی عشایر جمعیت قابل توجهی داشته اند. مثلاً در سال ۱۹۰۰ م یا ۱۲۹۲ ش جمعیت عشایر از ۱۰ میلیون کل ایران ۲/۴۷ میلیون بوده است یعنی ۲۵/۱ درصد کل جمعیت. اما بعد از بروی کار آمدن رضا شاه و بعد از اجرای سیاست تخته قاپو کردن عشایر در سال ۱۳۱۹ جمعیت کل عشایر از ۱۴/۶ میلیون حدود ملیون بوده است یعنی ۶/۹ درصد کل. نکته دیگر هرچه که به پایان دوره رضا شاه نزدیک میشویم جمعیت مطلق در حال افزایش است اما نسبت شهر نشین ها در مقایسه با روستائیان و عشایر بیشتر است در این میان نسبت رشد جمعیت عشایری روبه افول میرود. همانطور که در بالا ذکر شد بخاطر صنعتی شدن ایران جمعیت شهر نشین ها روزبه روز بیشتر میشود. همانطور که ما در جامعه الان سه نوع زندگی شهری روستایی و عشایری داریم در زمان پهلوی هم اینگونه بود اما با تغییرات و تفاوت های زیاد مباحث مربوط به جمعیت آنها در دوره های رضا شاه ذکر شد دو تولید به شیوه های روستایی و عشایری در ایران سابقه زیادی دارد به طور کلی در دوره پهلوی اینان به حیات خود ادامه دادند. با این تفاوت که جامعه عشایری دستخوش دگرگونی و بحران جدی شد بخاطر اجرای سیاست تخته قاپو عشایر توسط رضا شاه در دوره محمد رضا شاه روستائیان به

دنبال اصلاحات ارضی دچار دگرگونی‌هایی شدند در بخش کشاورزی و روستایی تا زمان اصلاحات ارضی بیشتر زمین‌ها حدود ۷۰/۸۰ درصد به مالکان یا خوانین تعلق داشت در واقع افرادی که دارای زمین خصوصی بودند بسیار کم بودند. مثلاً در دهه‌های ۱۳۱۰ ش و ۱۳۲۰ ش نسبت تقریبی زمین‌ها اینگونه است زمین‌های دولتی ۱۰ درصد، زمین خرده مالکی ۵ تا ۱۵ درصد، املاک موقوفه ۱۰ تا ۲۵ درصد و املاک بزرگ که معمولاً به خوانین تعلق داشت. پنجاه تا ۸۰ درصد را شامل میشد تولید کشاورزی سهم بری بود یعنی افرادی به عنوان دهقان یا کارگر ر کشاورزی روی زمین‌های خوان کار میکردند. در اعضای کار خود مقداری از محصول را دریافت میکردند. مثلاً در جاهای مختلف ایران و با توجه به آداب و رسوم بین یک سوم تا نیمی از کل محصول به خوان تعلق میگرفت در دوره پهلوی این شیوه ادامه داشت. در بین سالهای هزار و سیصد و چهار تا ۱۳۱۸ تولید سالانه ۶۷ درصد جو، ۳۶ درصد، برنج ۴۶ درصد، پنبه و توتون و تنباکو ۱۱۴ درصد افزایش تولید داشته‌اند. محصولات عمده کشاورزی هم اینها بودند بعلاوه سیب زمینی در واقع کشاورزی یکجا نشین عمدتاً وجه تولید دهقانین سهم بری بود نیروی کار در بخش کشاورزی ۷۵ درصد یا بیشتر جمعیت را شامل میشد در واقع شاید بتوان گفت تا اوایل انقلاب اسلامی هم نیروی کار زیادی در بخش کشاورزی فعال بود در دوره پهلوی در مقایسه با صنعت سهم بخش کشاورزی در حال تنزل بود و صنعت به سرعت روبه افزایش بود نکته حائز اهمیت آن است که در دوره رضا شاه کشاورزی رشد آرامی را طی میکند مهم ترین وجه و خصیصه آن رشد تولید نسبت به جمعیت بود رشد تولید در بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۸ به دو برابر جمعیت افزایش یافت به طور کلی ایران به جز در قند و شکر که مقادیر زیادی وارد میشد. از نظر تولید

غلات خودکفا بود حتی در بعضی سالها اضافه تولید میشد بعضی سالها گندم هم وارد میشد. اما در کل و در مجموع خود کفایی وجود داشت این شد به دو علت صورت گرفت رشد جمعیت در بخش کشاورزی دو افزایش سطح زیر کشت (درصد رشد جمعیت ۲۲ درصد بوده است در حالی که سطح زیر سطح ریز کشت ۲۵ درصد افزایش میابد) در کل حدود ۵۲ درصد افزایش تولید غلات را شاهد بوده ایم زنان روستایی نیز در تولید سهم بسزایی داشته‌اند در نخریسی بافندگی و خوشه چینی به معیشت خانواده کمک میکردند در دیگر کارها نیز به مردان کمک میکردند در برخی مناطق به صورت کارگر هم کار میکردند درآمد روستایی‌شان خیلی کم بود پایین نگهداشتن قیمت غلات به سود شهر نشینان و در واقع به زیان دهقانان عمل میکرد روستاییان عمدتاً به مدرسه نمیرفتند و مالکان نیز تلاش در جهت بهبود بخشیدن به وضع کشاورزان کاری انجام نمیدادند اما در مورد ایلات اقتصاد ایلی بر پایه تولید دام و لبنیات استوار است. محصولات تولیدی عمده آنان گوشت لبنیات و پشم و قالی است در زمان رضا شاه بخش ایلی شدیداً از سیاست‌های رضا شاه تأثیر پذیرفت دولت با تخته قاپو کردن عشایر آنان را به زور وارد دنیای مدرن کند در فاصله سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ نافرمانی ایلات قشقایی عرب و لر و بقیه سرکوب شد. به دنبال خلع سلاح عشایر مسیر بیلاق و قشلاق آنها بسته شد مجبور به اقامت در یک منطقه شوند به کشت و زرع پردازند و دست از شبانکاری بردارند به دنبال سرکوب عشایر از ۲ و نیم میلیون جمعیت عشایر در سال ۱۲۷۹ شمسی فقط یک میلیون در سال ۱۳۱۱ باقی ماند زنان عشایر در مجموع نسبت به زنان شهری و روستایی آزادی عملی بیشتری داشتند و در بسیاری کارها هم دوش مردان فعال بودند شهرنشینی: در ایران سابقه چند هزاره در ایران دارد در زمان پهلوی دو وجه تولید

خرده کالایی صنایع دستی و وجه تولید سرمایه داری صنعت جدید بود صنعتی شدن ایران از دهه ۱۳۰۰ آغاز شد و در دهه دوم آن به اوج رسید ایجاد کارخانه‌های جدید عمدتاً در زمینه بافندگی و مواد غذایی بودند در کل صنعتی شدن در زمان رضا شاه با شکست‌ها و محدودیت‌هایی همراه بود. این صنایع بسیار تخصصی بودند و در چند نقطه محدود کشور یعنی تهران اصفهان و چند شهر مورد نظر شاه در شما متمرکز شدند. معمولا ایجاد صنایع و کارخانه‌ها از روی یک برنامه‌های مشخص صورت نمیگرفت در زمینه پول سود هزینه و سرمایه‌گذاری نیز مشکلات بوجود داشت مثل ضرر کردن کارخانه‌های دولتی و ناکار آمدی آنها. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه نسبت به قاجار اما ایران از کشورهایی مثل ترکیه و مصر عقب‌تر بود در شهرها مثل الان شغل‌های گوناگون و طبقات متفاوت بوجود داشت. طبقه پیشه‌وران و بازاریان و طبقه کارگران فروشندگان دوره‌گران طبقه‌ای دیگر که باید از آن نام برد طبقه متوسط شهری یعنی کارمندان و متخصصان دولتی میباشند. طبقه روحانیون و پیشوایان مذهبی مثل مراجع نیز در شهرها اقامت داشتند طبقه کارگران صنایع جدید و کارخانها طبقه دیگر روشنفکران که ساکن شهرها بودند. موضوع زنان در زندگی شهری موضوعی گسترده ست ولی چند نکته ضروری لازم است اینکه از دوره پهلوی بود که زنان توانستند پا به عرصه اجتماع بگذارند در دوره پهلوی زنان با ورود به قلمرو آموزشی روز به روز بر تعدادشان افزوده میشد مثلاً در سال ۱۳۱۹ ۴۵۰ دختر و ۶۴۵ پسر از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدند. در آن سوی ساختار اجتماعی بسیاری از زنان طبقه کارگر در صنایع و ادارات با مزد کمتر نسبت به مردان کار میکردند و در ساعت‌های طولانی در شرایط نامطلوب خاصه در قالی بافی بافندگی کار میکردند در دوره رضا شاه زنان از حق رای برخوردار

نشندند در مجموع نسبت به دوره قاجار زنان وضع بهتری پیدا کردند.

از لحاظ سیاسی: بیشتر نمایندگان مجلس از زمین داران بزرگ و نخبگان شهری بودند مردم مجبور بودند به خوان های هر منطقه رای بدهند حدود ۷۰ درصد جمعیت مجلس به بزرگان خوانین تعلق داشت اما نباید در مورد آنها اغراق کرد. در مجلس افرادی از طبقه متوسط مثل حقوقدانان و تحصیلکردگان نیز وجود داشته اند که به طبقه ثروتمند جامعه نیز تعلق نداشت این روند در دوره پهلوی هم ادامه داشت. در واقع مجلس بیشتر از اشراف جامعه تشکیل میشد.

از نظر آموزشی: ایجاد مدارس جدید در دوره قاجار که نوع جدیدی از آموزش و پرورش را وارد ایران کرد در دوره پهلوی نیز ادامه یافت. ایجاد دانشگاه به سبک جدید ورود دختران به مدارس و دانشگاهها افزایش نرخ تحصیلکردهها هرچند هنوزم بیشتر مردم اصلا سواد نداشته اند را میتوان دستاورد مهم دوران پهلوی در زمینه آموزش دانست اعزام دانشجو به خارج نیز ادامه یافت از لحاظ نظامی نیز اول بار رضا شاه نیرو زمینی دریایی و هوایی را ایجاد کرد خدمت نظام وظیفه نیز در دوره پهلوی اوا ایجاد شد رضا شاه ارتش ۱۲۵ هزار نفری ایجاد کرد در زمان وی بسیاری از نمایندگان مجلس با تأیید رضاشاه به مجلس میرفتند حتی رضا شاه د رمواردی رئیس مجلس را تعیین میکرد. احزاب در دوره رضا شاه بخاطر دیکتاتوری شدید از بین رفتند هرچند که در سال ۱۳۱۳ به طور محدود احزابی فعالیت میکردند اما همچنان جو خفقان حاکم بود. در سال ۱۲۸۵ شمسی و وقوع انقلاب مشروطه ایران ایران دارای قانون اساسی شد و مجلس شکل گرفت مجلس در دوره پهلوی دو قسمت بود یک مجلس سنا که بر اساس قانون اساسی مشروطیت یکی از دو مجلس قانونگذاری بود اما تا سال ۱۳۲۸ تشکیل نگردید و با پیروزی انقلاب منحل گردید علت عدم تشکیل آنها

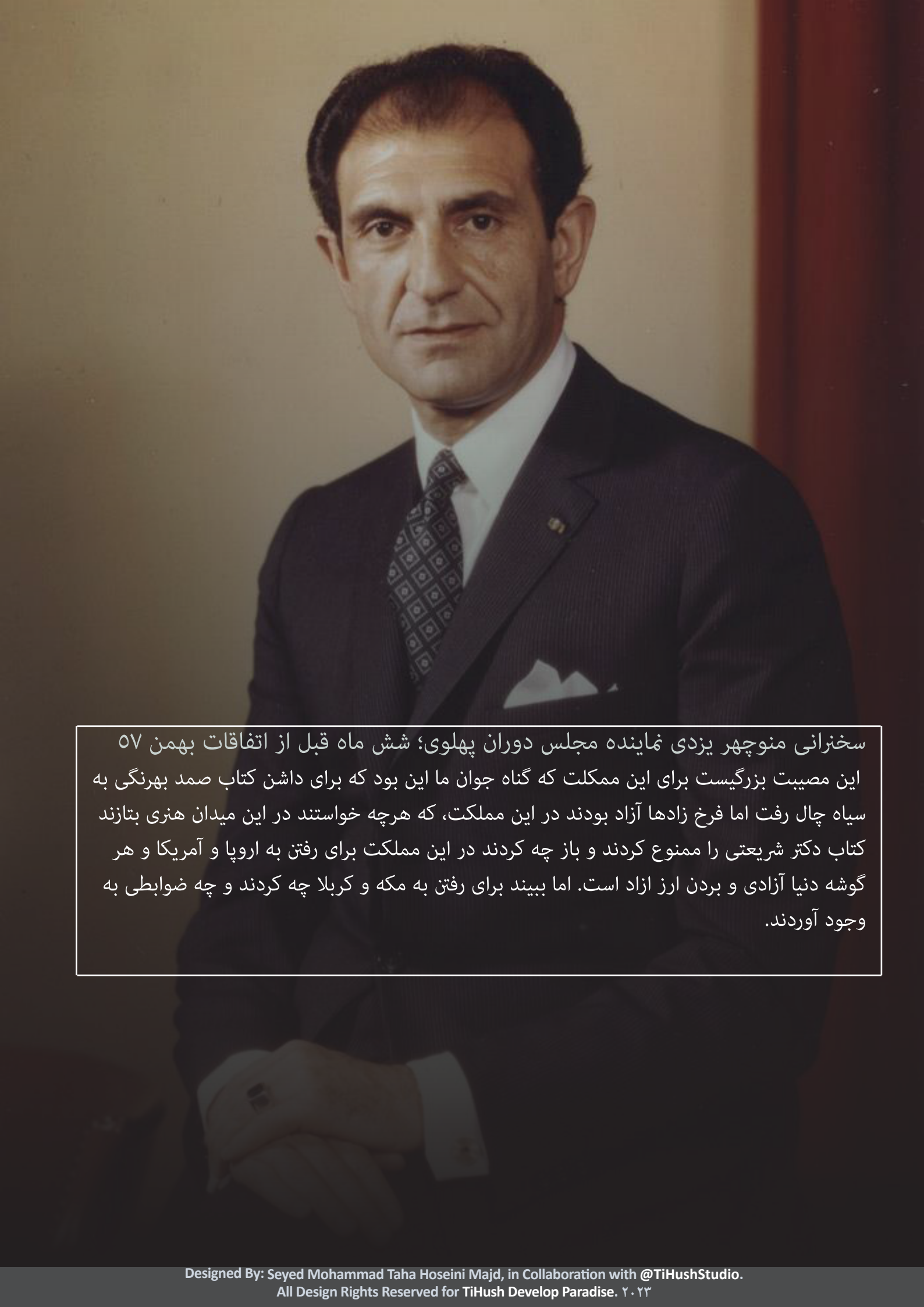
به بعضی مخالفت ها برمیگردد پس از شهریور ۱۳۲۰ با اشغال ایران توسط متفقین و سست شدن پایه های سلطنت پهلوی تقاضای تشکیل مجلس سنا در مطبوعات روزنامه های آنزمان چاپ میشد در سال ۱۳۲۷ دولت حکیمی لایحه تشکیل سنا را تقدیم مجلس نمایندگان کرد با وجود برخی مخالفت ها تصویب شد و شاه هم آنها را تأیید کرد تعداد نمایندگان ۶۰ نفر بودند که ۳۰ نفر توسط شاه و ۳۰ نفر دیگر توسط مردم انتخاب میشدند گروه اول نمایندگان انتصابی و گروه دوم نمایندگان انتخابی بودند. ۳۰ نفر از طرف مردم که ۱۵ نفر از تهران و ۱۵ نفر دیگر از شهر های دیگر انتخابات با مجلس برگزار شد. و در یک روز انجام میگرفت مدت هر دوره ۴ سال بود در زمان مصدق مجلس سنا ملحق شد مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ با فرمان مظفر الدین شاه شکل گرفت مدت دوره در مجلس نمایندگان از آغاز تا ۱۳۲۴ دو ساله بود از ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ چهار سال در مجموع ۲۴ دوره مجلسه شورای ملی شکل گرفت قوه مجریه در دوره پهلوی اول و دوم اینگونه بود که نخست وزیر با پیشنهاد شاه به مجلس معرفی میشود و رای اعتماد میگرفت نخست وزیر هم اعضای دولت و کابینه را به مجلس معرفی میکرد شاه حق عزل نخست وزیر را داشت امور اجرایی به نخست وزیر سپرده میشد در کنار اینها باید از دو طبقه در در دوران پهلوی صحبت کرد. طبقه متوسط جدید و سنتی اگر به عنوان مثال جامعه را به چهار طبقه زمین داران بزرگ متوسط صاحب مال کارگران و رعایا تقسیم کرد جایگاه طبقه متوسط از اهمیت خاص برخوردار است چرا؟ زیرا در بیشتر جنبش ها اصولا طبقه متوسط دخیل بوده اند مثلا در جنبش تنباکو انقلاب مشروطه ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی نقش طبقه متوسط از اهمیت برخوردار است طبقه متوسط طبقه ای است طبقه متوسط به طبقه ای میگویند که در فرانسوی میگویند بورژوا

طبقه توسط شامل این گروهها میشوند پیشه وران کاسبان روحانیون صنعت گران تجار و بازرگانان روسای صنوف مختلف بازار است اصلی اینها را شکل میدهد مثلا پیشه وران و کاسبان مغازه هایشان در امتداد بازار قرار دارد در قدیم روحانیون در بازار بیشتر سخنرانی میکردن و بازار در قدیم جایگاه فروش کالا مرکز کارگاهها و بانک ها جایگاه انبار های کالا و مرکز فعالیت تجاری و مذهبی بود در بازار کسبه مال التجاره میفروختند صنعت گران کالا تولید میکردند اولیا مذهبی وعظ مینمودند دولت ها حووبات انبار میکردند و وام دهندگان پول وام واگذار میکردند دگرگونی های قرن نوزدهم که ارتباطات را افزایش داد و بازار های محلی در بازار ملی اقدام شد باعث افزایش هویت مشترک طبقه متوسط شد. اصولا طبقه متوسط بخاطر موقعیت های شغلی خود و وضع مالی نسبتا خوب معمولا به سیاست بیشتر آگاهی دارند تا کارگران و رعایا در این طبقه سطح سواد معمولا بالا است. در اروپا اکثر انقلاب ها توسط همین طبقه متوسط یا بورژوا شکل گرفت اصلا رنسانس در اروپا در میان طبقه متوسط شکل گرفت البته در ایران باید گفت خرده بورژوا نه بوژوا. هیچگاه در ایران حتی الان هم در مقایسه با غرب طبقه متوسط به معنای واقعی شکل نگرفت پس در ایران ما اصولا خرده بورژوا داریم نکته مهم دیگر این است که طبقه متوسط حامل ارزش های دموکراتیک است و یکی از مشکلات ایران در دوره پهلوی و الان هم نبود یک طبقه متوسط واقعی است در دوره هاشمی رفسنجانی تلاشی هایی برای تقویت و گسترش ایرن طبقه شکل گرفت اما متأسفانه بیشتر حقوق بگیر دولت بود و نتوانست گسترش پیدا کند در دوره پهلوی اول و دوم هم این طبقه وجود داشت پزشکان، وکلا، مهندسان، بازاری ها، صنعت گران، کارخانه داران، پیشه وران و صاحبان صنوف کارمندان و روحانیون از طبقه

متوسط محسوب میشوند. در دوران پهلوی و بیش از آنهم بازاریان پیرو روحانیت بودند پرداخت مواجب شرعی که بیشتر از طرف بازاری ها انجام میگرفت یکی از عوامل تقویت روحانیت بود در دوره محمد رضا پهلوی یکی از کارهایی که انجام میشد تضعیف بازار سنتی بود زیرا روحانیون در انجا نفوذ زیادی داشتند. در دوره رضا شاه با لغو امتیازات مالیاتی دویصد و شانزده صنف دشمنی حکومت با این اصناف مشخص شد در کل حکمت پهلوی به خاطر نوسازی و دشمنی با روحانیت از طبقه متوسط که بازاریان جز عمده آن بودند خوشش نمی آمد به همین دلیل محمد رضا شاه با ایجاد فروشگاههای بزرگ سعی در تضعیف بازار سنتی داشت در کل از مخالفان حکومت پهلوی همین طبقه متوسط بود نکته مهم این است گفتیم ک در ایران طبقه بورژوا به مفهوم غرب شکل نگرفت طبقه خورده بورژوا شکل گرفت که اکثرا خود تولیدگر هستند و خود صاحب دستگاههای تولیدی تجار کوچک و کسبه و اقشار متوسط جامعه جزو این دسته اند. در جامعه سرمایه داری خرده بورژوا دارایی کوچکی دارند مانند دکان داران، مالکان خانه، مالکان کارگاهها و کارخانهای کوچک. طبقه متوسط معمولا با دخالت دولت در اقتصاد مخالف است. طبقه متوسط جدید در دوره پهلوی شکل گرفت و اصولا مال دنیا مدرن است در واقع طبقه جدید لزوما از لحاظ اقتصادی فرقی با طبقه متوسط قدیم یا سنتی ندارد بلکه طبق المان های دیگری مثل فرهنگ سطح سواد و تحصیلات و منزلت اجتماعی میتوان آنرا شناخت ابراهامیان در مقدمه کتاب جامعه شناسی سیاسی ایران طبقه متوسط جدید را معرفی میکند حرفه مندان کارمندان دولت کارکنان اداری دانشجویان هنرمندان نویسندگان روشنفکران وکلا پزشکان و امثال هم معمولا طبقه متوسط جدید حقوق دریافت میکنند عده ای عقیده دارند طبقه متوسط جدید از زمان رضا شاه شکل گرفت در دوران

رضا شاه بود که افسران ارتش پزشکان وکلا مهندسان روزنامه نگاران نویسندگان و صاحبان جدید سرمایه شکل گرفت و گسترش یافت افراد تحصیل کرده هم در رضا شاه وارد عرصه روشن فکری شدند در دوره رضاشاه نظام اداری متمرکز شکل میگیرد دو عامل مهم یعنی تاثیر جامعه شناختی اقشار ایران از فرهنگ تمدن غرب و دوم رشد هسته های نخستین اعضای از طبقه متوسط جدید در دوره قاجار عوامل مهمی ایجاد طبقه متوسط جدید در دوره رضا شاه است در دوره پهلوی طبقه متوسط جدید ساکن شهر ها بودند در دوره پهلوی دوم با افزایش دانشگاهها افزایش جمعیت به طور کلی و قشر شهر نشین مطبوعات و رسانه ها طبقه متوسط جدید گسترش زیادی پیدا کرد در دوره پهلوی دوم این قشر به خاطر فعالیت روشنفکرانه خود تحت کنترل و نفوذ دولت قرار گرفت و از طرفی ارکان های امنیتی تحت فشار قرار گرفت در دوره پهلوی طبقه کارگر از اهمیت خاصی برخوردار است کارگران بخاطر ایجاد کارخانه ها مهاجرت روستائینان به شهر اسکان عشایر و زیاد شدند ک مجال پرداخت ان در اینجا وجود ندارد به هر حل آوردن مطالب زیاد در اینجا نمیگنجد ابراهامیان در اواخر دوره پهلوی چهار طبقه را شناسایی میکنند یک طبقه بالا دو طبقه متوسط صاحب مال سه صاحب متوسط حقوق بگیر و کارمند چهار طبقه کارگر .



A portrait of a middle-aged man with dark hair, wearing a dark pinstriped suit jacket, a white shirt, and a patterned tie. He is looking directly at the camera with a neutral expression. The background is a plain, light-colored wall with a dark red vertical stripe on the right side.

سخنرانی منوچهر یزدی نماینده مجلس دوران پهلوی؛ شش ماه قبل از اتفاقات بهمن ۵۷ این مصیبت بزرگیست برای این مملکت که گناه جوان ما این بود که برای داشتن کتاب صمد بهرنگی به سیاه چال رفت اما فرخ زاده‌ها آزاد بودند در این مملکت، که هرچه خواستند در این میدان هنری بتازند کتاب دکتر شریعتی را ممنوع کردند و باز چه کردند در این مملکت برای رفتن به اروپا و آمریکا و هر گوشه دنیا آزادی و بردن ارز آزاد است. اما ببیند برای رفتن به مکه و کربلا چه کردند و چه ضوابطی به وجود آوردند.